

## کارکرد اجتماعی مسجد در ایران عصر آل بویه

حسین مفتخری\*

فؤاد پورآرین\*\*، فریرز سجادی\*\*\*

### چکیده

مسجد به عنوان کارآمدترین نهاد عبادی - سیاسی در اسلام، با کارکردها و تأثیرات سیاسی و اجتماعی بسیار در جامعه عصر آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ق)، عملاً به عنوان نهادی تأثیرگذار در ساخت قدرت عمل می‌کرد. در این میان، کارکردهای اجتماعی مسجد غالباً مثبت و سازنده و در یک عبارت، همگرا و تعاملی بود که خود به رشد و تعالی جامعه ایرانی - اسلامی این دوره یاری رساند. در این راستا، پرسش اساسی این است که مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی مسجد در دوره مورد اشاره کدام است؟ بنابراین، توصیف کارکردهای اجتماعی مسجد در عصر مذکور، همراه با بیان علت‌ها و تبیین چرایی‌ها و چگونگی‌ها و در نتیجه شناخت کامل‌تر از یک تحول تاریخی، مورد توجه بوده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که این بنای الهی با توجه به فقدان دانشگاه به مفهوم امروزی، بار اصلی رشد علمی جامعه را به دوش می‌کشید. علاوه بر آن، مسجد محل اسکان و سرپناه مستمندان و یا مسافران بود. به لحاظ تبلیغی نیز مسجد در اجتماع عصر بویهی به عنوان مهم‌ترین کانون اطلاع‌رسانی حکومتی و مردمی و نیز محل اعتراضات عمومی بسیار مؤثر عمل می‌کرد. کارکردهای متعدد دیگری چون کارکرد قضایی با نمونه‌های بسیار از این دوره، همگی بر اهمیت و جایگاه والای این نماد معماری اسلامی در سرنوشت و زندگی مسلمانان دلالت دارد. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تبیینی و از جنس تبیین‌های کارکردی است.

\* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی moftakhari@khu.ac.ir

\*\* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی por721@yahoo.com

\*\*\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) sajjadi\_f@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۲۷

**کلیدواژه‌ها:** آل بویه، عباسیان، مسجد، تبلیغ، تعلیم و تربیت.

## ۱. مقدمه

تاریخ اسلام و ایران بیانگر این واقعیت انکارناپذیر است که «مسجد» برخلاف دیگر معابد و مراکز عبادی، فقط جایگاه عبادت و نیایش دینی نبود، بلکه نهادی با کارکردهای مهم، متعدد و متنوع در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی بود. در این میان، بایستی خاطر نشان کرد که تاریخ ایران عصر آل بویه یکی از مهم‌ترین ادوار نقش‌آفرینی مسجد در ابعاد و زمینه‌های گوناگون بود. مسجد به عنوان کارآمدترین نهاد عبادی سیاسی در اسلام، در تداوم حیات اجتماعی - سیاسی مسلمانان و به‌ویژه ایرانیان نقش محوری ایفا کرده و در حقیقت به عنوان «نهادی تأثیرگذار در ساخت قدرت» عمل کرده است. اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران در این دوره تأثیرات بسیاری از مسجد و کارکردهای آن پذیرفت. از سوی دیگر، شرایط و موقعیت ایجادشده در پرتو سیاست‌های سلاطین شیعی مذهب آل بویه در ایران و حتی در جهان اسلام و در عرصه‌های گوناگون، موجب گردید تا مسجد یکی از کامل‌ترین دوره‌های خود را - به لحاظ کارکردی - متجلی سازد و در روند تکاملی تمدن و فرهنگ ایران و اسلام نقش محوری ایفا نماید. اهمیت و جایگاه مسجد در تحولات این دوره به گونه‌ای است که مطالعه و بررسی تاریخ تحولات این مقطع، بدون بررسی و پژوهش در آن و کارکردهایش امری ناقص خواهد بود.

نگاهی اجمالی به فهرست کارکردهای متعدد و متنوع مسجد در ایران عصر آل بویه، ما را به جایگاه بی‌بدیل این بنای مذهبی و در همه ابعاد سیاسی - اجتماعی جامعه ایرانی رهنمون خواهد ساخت که خود از اهمیت و ضرورت پژوهش در این خصوص حکایت دارد. بی‌تردید، شناخت هرچه دقیق این مرکز قدرت مذهبی، یاریگر ما در گشودن زوایای جدیدی از تاریخ سیاسی - مذهبی ایران این دوره خواهد بود. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش آن است که مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی مسجد در دوره مورد اشاره کدام است؟ و چه عواملی بر شکل‌گیری این کارکردها در ایران عصر آل بویه تأثیر داشتند؟

در زمینه پیشینه پژوهش، باید گفت که به‌رغم نقش‌آفرینی وسیع و اثرگذار «مسجد» در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران و اسلام و در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله آن و سهم قابل توجه آن در روند زندگی مردم مسلمان ایران، پژوهش‌های جامعی در خصوص موضوع مورد نظر در

عصر آل‌بویه انجام‌نپذیرفته و تحقیقات معدود صورت‌گرفته صرفاً به کارکردهای آن در صدر اسلام و یا قرون نخستین اسلامی تمرکز داشته‌است.

روش گردآوری داده‌ها در این مقاله، کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی - تحلیلی خواهد بود و روش تجزیه و تحلیل آنها تبیینی از نوع کارکردی است. «کارکرد» در لغت به معنی «عمل و کار» است (فرهنگ معین، مدخل «کارکرد»). «کارکردگرایی» رویکردی است که نهادها و کارویژه آنها را با توجه به نیازهای جوامع و بر حسب کارکردهایی که برای بقای کل به اجرا درمی‌آورند، تبیین می‌کند (فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ۱۳۸۱: ۳۲۸).

در مقاله حاضر، ضمن توصیف کارکردهای اجتماعی مسجد در عهد آل‌بویه، اهمیت این نهاد در ایجاد انسجام اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌است.

به لحاظ عملی و همسان با رهنمودهای نظری قرآن، آموزش اسلامی با دعوت پیامبر گرامی اسلام (ص)، نخستین معلم و مربی مسلمانان، از مسجد که در واقع نخستین پایگاه تعلیمات اسلامی بود، آغاز گردید. لذا، مسجدالنبی که هم‌زمان با هجرت رسول خدا به مدینه بنیاد گردید، در واقع کهن‌ترین دانشگاه اسلامی و پایگاه اساسی‌ترین تعلیمات در تاریخ آموزش اسلامی محسوب می‌گردید.

مسجد تا پایان سده اول هجری، غالباً به منزله مکانی برای وعظ و ارشاد و ادای فرایض دینی و رسیدگی به نیازمندی‌های مردم و حل و فصل امور قضایی مسلمین بود؛ ولی، در آغاز قرن دوم هجری و پیرو تحولی شگرف در زندگی اجتماعی مردم مسلمان، تکاملی در حیات اجتماعی مسجد پدیدار گشت که این امر خود به امور علمی و آموزشی معطوف بود. از جمله حوادث اثرگذار در تحول و تنوع کارکردهای مسجد و رونق در کارکردهای علمی آن در این دوره از تاریخ اسلام، بروز اختلافات فکری - مذهبی در میان مسلمانان و در نتیجه پیدایش فرق و مذاهب مختلف بود. مواجهه جامعه اسلامی با مباحث و مسائل جدید - از جمله بروز چالش‌های دینی مذهبی با ادیان دیگر در قلمرو اسلامی - به شکل‌گیری فرق و مذاهب مختلف اسلامی انجامید. گسترش بیش از پیش قلمرو اسلامی و لزوم تبلیغ دین اسلام و شرایع آن و نیز زبان عربی و علوم مرتبط اسلامی افزون بر علت گردید و بر کارکردهای علمی - فرهنگی مسجد در ایران و اسلام، در کنار کارکردهای دیگر آن افزود. بدین ترتیب، پیشگامان مذهبی جلسات درس و بحث را در مساجد شهرها برگزار کردند و حلقه‌هایی از اطرافیان و پیروان خاص و در نهایت فرق مذهبی به‌وجود آمد. مسجد به عنوان کارآمدترین نهاد دینی اسلام، در تداوم حیات اجتماعی و سیاسی

مسلمانان - به ویژه ایرانیان دوره حکومت شیعی مذهب آل بویه - نقش محوری ایفا کرده است. تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در این دوره، تأثیرات بسیاری از مسجد و کارکردهای آن پذیرفته و متقابلاً شرایط و موقعیت ایجاد شده در پرتو سیاست های سلاطین شیعی مذهب آل بویه در ایران و حتی در جهان اسلام، موجب شد تا مسجد یکی از کامل ترین دوره های خود را - به لحاظ کارکردها - متجلی ساخته و در روند تکاملی تمدن و فرهنگ ایران و اسلام، نقش محوری ایفا کند.

## ۲. کارکرد علمی - آموزشی

دو قرن دوم و سوم هجری را می توان از درخشان ترین دوره های تعلیمات مسجدی و یا به عبارت دیگر عصر فعالیت آموزشی دانشگاه های عمومی دانست. دستاوردهای مسلمین در مسائل مختلف علمی، ترقیات فکری و نیز پیشرفت های اقتصادی موجب تأثیر چشمگیری در ایجاد هوشیاری و جنبش علمی در مساجد گردید. توجه دقیق به اجتماعات و تشکیل جلسات علمی در مساجد بزرگ و مشهور آن زمان، به ویژه در جغرافیای ایران، و مجامع ممتاز با شرکت متفکران و متولیان مسائل آموزشی، همه دلایل کافی و آشکاری بر میزان پویایی و جنبش علمی قابل ملاحظه در آن دوره از تاریخ اسلام است؛ به عنوان مثال، می توان به مجالس مالک بن انس در مسجد نبوی، امام شافعی در مسجد فسطاط، امام حنبل در مساجد بغداد و ... اشاره کرد (غنیمه، ۱۳۷۲: ۵۱-۵۹).

مساجد در تاریخ ایران دوره آل بویه نقش و جایگاه بسیار مهمی به لحاظ علمی - آموزشی داشتند. بی تردید، پیشرفت های فراوان علمی، اختراعات و اکتشافات بسیار در همه زمینه های علمی، ظهور و بروز عالمان و دانشمندان برجسته و صاحب نظر، تألیفات متعدد و متنوع و از همه مهم تر مرجع قرار گرفتن آنان، که البته در تمام تاریخ ایران ممتاز است، بی تأثیر از این دانشگاه های عمومی و کارکرد علمی - آموزشی آنان نبود (ایمانی فر، ۱۳۸۹: ۲۴۲ و ۲۴۳).

در ایران این دوره، اساساً یکی از معیارهای اعتبار هر شهری منوط به وجود مساجد و به ویژه مساجد جامع بود.<sup>۱</sup> مساجد محل تجمع، تدریس و مناظره علمای مشهور بود. شاید به دلیل همین اعتبار بوده است که در خصوص تعداد و کثرت مساجد شهرها، همواره از سوی مردم و سیاحان، بعضاً اغراق صورت می پذیرفت.<sup>۲</sup> احتمالاً، یکی از معیارهای «دارالعلم» قرار گرفتن شهرها نیز به وجود مساجد کهن و در عین حال دارای

جایگاه علمی برمی‌گشت (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۴۰). شهرهای قلمرو بویهیان همچون ری و بغداد نه تنها مرکز سیاسی بودند، بلکه کانون علمی و محل تجمع دانشمندان شهیر بی‌شمار و وزرای دانشمندی چون ابن‌عمید و صاحب‌بن‌عباد به‌شمار می‌رفتند (بهمنیار، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

زمینه مساعد آزاداندیشی و جو آزاد فکری نیز در مقطع مورد نظر، در رونق هرچه بیشتر مساجد به‌ویژه در بعد علمی و فرهنگی بی‌تأثیر نبود. از سوی دیگر، حمایت آل‌بویه از مذهب تشیع، شرایط و موقعیت بسیار ممتازی را برای دانشمندان و علمای این مذهب فراهم ساخت تا از مساجد و منبرهای آن به نحو احسن برای بیان عقاید و نشر اندیشه‌های خود پس از چند قرن تبلیغ سوء معاندان و دشمنان استفاده برند (فدایی عراقی، ۱۳۸۳: ۲۱ و ۲۲). علاوه بر این، سلامت نفس علمای این دوره که البته از مسجد و معنویت آن تأثیر می‌پذیرفتند نیز نایستی در این خصوص نادیده انگاشته شود. دانشمندان اسلامی در این دوره طلایی تاریخ و تمدن ایران و اسلام بر آن بودند که به جنبه‌های درونی بنگرند و نفس را در پاسخ‌گویی و شنیدن به خواسته‌ها چنان رام سازند که به تدریس نپردازد؛ مگر آنکه در وجود خویش توانایی کافی علمی برای قیام به این مهم را بیابند (ماوردی، ۱۳۸۳: ۱۸۲).

منابع و اسناد تاریخی نمونه‌های فراوانی از این کارکرد مهم مساجد را در دوره مورد اشاره ثبت کرده‌اند. شیخ صدوق، از علمای مشهور شیعی، در سال ۳۵۴ ق در مسیر سفر حج وارد شهر کوفه شد، به مسجد جامع این شهر رفت و از محضر درس علمای مشهوری که در آن مسجد سکونت داشتند، استفاده کرد (موسوی خراسان، ۱۳۷۷: ۳۶).

امام ابو‌حامد احمد بن محمد اسفراینی، پیشوای پیروان شافعی که در حلقه درفش چهارصد فقه‌آموز گرد می‌آمد، در مسجد عبدالله بن مبارک [در بغداد] در شبستان فقها درس می‌گفت (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۳ / ۵۵۱۱).

صاحب‌بن‌عباد، وزیر رکن‌الدوله دیلمی، که خود از بزرگان علم و ادب بود، هم‌زمان با اشتغال به وزارت در اصفهان، در مسجد جامع آن مجالس درس و مباحثات علمی برگزار می‌کرد. و همچنین مکانی به نام او مشهور به «صفه صاحب» ثبت شده است (مهدوی، ۱۳۵۷: ۹۸). مسجد به عنوان مکانی برای داستان‌سرایی، نوع دیگری از کارکرد علمی - آموزشی خود را در این دوره به نمایش می‌گذاشت، ابن‌بواب، خوشنویس معروف نیز، در مسجد جامع بغداد برای مردم داستان‌سرایی می‌کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۳ / ۵۵۷۱). علاوه بر این، در مقطع مورد نظر، مسجد نوع دیگری از کارکردهای علمی - آموزشی

خود را نیز به نمایش نهاد و به محل پرسش، مناقشه، بحث و مناظره تبدیل گردید. تعلیم اسلامی به منظور ایجاد توان فکری و کمک به فهم مسائل، به پرسش و مناقشه خطبا و سخنرانان و یا اساتید و طلاب، به ویژه در مساجد، توجه بسیاری داشته است که این امر رفته رفته به یک سنت تاریخی تبدیل گردید (ابن خلدون، ۱۳۵۹: ۴۰۸).

در کنار پرسش و مناقشه، اهتمام به مناظره و مذاکره از وسایلی بود که به گسترش روحیه درست علمی در بین دانشمندان اسلامی کمک می کرد. اساساً، مناظره از کارهای رایج در بین خود استادان و البته به محوریت مساجد شمرده می شد که خود در بالابردن سطح اندیشه و رشد ذهنیات و گسترش دامنه آن تأثیر مطلوب و قابل ملاحظه ای داشت. در این دوره، مناظره بهترین وسیله برای استنباط حقایق فقهی و استخراج اصول و قواعد آن در بین فقها بود که خود به یکی از عوامل تحرک و پویایی برای فکر اسلامی تبدیل گردید<sup>۳</sup> (غنیمه، ۱۳۷۲: ۲۵۸، ۲۶۲).

از آنجایی که مساجد در عصر آل بویه محل تجمع گروه بسیاری از مسلمانان و نیز محل گردهمایی عالمان بود، لذا مهم ترین کانون پرسش، مناقشه و مناظرات علمی محسوب می شدند. فضای سیاسی - مذهبی این دوره نیز بیش از پیش بر این مباحث دامن می زد و هم از آن تأثیر می پذیرفت؛ البته، کارکرد ذاتی علمی - آموزشی مسجد نیز افزون بر علت بود. گزارش های تاریخی از برگزاری گسترده مباحثات و مناظرات علمی در مساجد این دوره حکایت دارد؛ به عنوان مثال، شیخ مفید در مسجد معروف برائای بغداد به وعظ و جدل با معارضان و مخالفان می پرداخت و نه تنها از حقانیت این مذهب دفاع می کرد، بلکه به وحدت و نزدیکی فرق شیعی یاری می رساند. به نوشته کتاب *محاسن اصفهان*، در مسجد جورجیر اصفهان - معروف به مسجد جامع صغیر - که به دست صاحب بن عباد ساخته شد، «در هر نماز از نمازهای پنجگانه کمتر از پنجهزار مرد صف نبستی و هر ستونی از آن مسند شیخی بود مزین و آراسته و محلی پیراسته به نظارت مناظره فقها و حلیه مطارحه علما...» (آبی، ۱۳۲۸: ۶۲). حتی، شخصیتی چون صاحب بن عباد با همه مشغله های سیاسی و اداری، جلسات مناظره باشکوهی با حضور جمع کثیری از عالمان عصر در مسجد و منزل خود برگزار می کرد (بهمنیار، ۱۳۸۳: ۷۱، ۱۱۲-۱۱۳).

نقد به اصطلاح تفکرات انحرافی نیز در ذیل این کارکرد صورت می پذیرفت، چنان که در سال ۴۲۹ق، علمای مذهبی درونمایه کتاب ابویعلی فراء حنبلی (ابن فراء) را که پیرامون ویژگی های خداوند و اعتقاد به تجسم او بود، پس زدند. زاهد معروف، ابوالحسن قزوینی،

در مسجد منصور بغداد حاضر شد و بر بالای منبر رفت و در این باره سخن راند و گفت: «بزرگ است خدا از آنچه ستمکاران همی گویند و بلندی جایگاهش بس بزرگ است» (ابن اثیر، بی تا: ۱۶ / ۱۵۸). ظاهراً، تفکرات ابن فراء در حدود دو دهه بعد نیز بار دیگر مساجد بغداد را دستخوش مناظرات، مناقشات و آنگاه آشوب ساخت. روایت ابن اثیر حاکی است:

سال ۴۴۷ میان فقهای شافعی و حنبلی در بغداد فتنه‌ای بر پا شد. پیشرو حنبلی‌ها ابوعلی بن فراء و ابن تمیمی بودند و گروه بسیاری از عامه به دنبال آنها افتادند و انکار ذکر بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم به آشکارا (جهد به بسم‌الله) و منع از ترجیح در اذان و قنوت در فجر (نماز صبح) نمودند و به دیوان خلیفه رسیدند و در آنجا اختلاف تسویه نگردید. حنبلی‌ها به مسجد باب‌الشعیر رفته و امام جماعت آنجا را به سبب جهد به بسم‌الله غارت کردند. او بیرون آمد و قرآن به دست گرفت و گفت: از مصحف (قرآن) آن را (بسم‌الله را) بزدایید تا نخوانم و نگویم (همان: ۱۶ / ۳۱۷).

چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره گردید، مناظرات و مباحثات درون مساجد غالباً تنش‌ها و منازعات خارج از آن را در بین طرفداران فرق مختلف در پی داشته‌است. شاید به همین علت بود که در سال ۴۰۸ ق، خلیفه عباسی، القادری بالله، معتزله و شیعه و سایر دیگراندیشان مخالف را از گفت‌وگو و مناظره درباره آیین‌هایشان منع کرد و نیز فرمان داد که هرکس چنین کند، به کیفر برسد (همو، ۱۳۸۳: ۱۳ / ۵۵۵۰).

### ۳. کارکرد تبلیغی

یکی دیگر از کارکردهای مسجد در تاریخ اسلام به‌ویژه در دوره آل‌بویه، کارکرد تبلیغی - رسانه‌ای بود. این کارکرد به نوعی با سرشت و ذات مسجد درآمیخته و از زمان رسول اکرم (ص) قابل مشاهده است. مراد از کارکرد تبلیغی - رسانه‌ای در اینجا فضایی برای رساندن پیام و آگاه‌کردن مردم توسط حکومت بر اساس نیازهایش از یکسو، همچنین محلی برای تبادل آگاهی‌های اجتماعی و اعلام اعتراض مردم یا ناراضیان سیاسی از دیگرسو بود. به عبارت دیگر، مسجد کارکردی دوگانه داشت؛ یعنی، هم از سوی حکومت و هم از سوی مردم و ناراضیان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

به‌نظرمی‌رسد در این دوره، با توجه به شرایط زمانی و محدودیت‌های ارتباطی، مسجد محل مناسبی برای اطلاع‌رسانی دولتی و مردمی بود و البته گاهی مشاهده‌می‌شود که حضور حکومت در مسجد بسیار پررنگ‌تر از سایر اقشار است؛ همچنین، هر گروهی به فراخور

نیاز خود، از رسانه مسجد استفاده می‌کرد و وجه غالب استفاده سیاسی مردمی، بیان اعتراض به روندهای موجود در عرصه‌های گوناگون بود. حاکمان و معترضان هر دو نیازمند به حمایت معنوی و قدرت بسیج مساجد بودند.

### ۱.۳ محل اعتراضات مردمی

اعتراض نسبت به اقدامات دولت آل بویه و کارگزاران آن، کوتاهی این حکومت و یا دستگاه خلافت عباسی در قبال مسائل سیاسی آن روز جامعه اسلامی، یکی از تحولات مهم سیاسی این دوره از تاریخ ایران و اسلام محسوب می‌شود. این اقدام که معمولاً با محوریت مساجد صورت می‌پذیرفت، آثار تبلیغی بسیاری داشت و ارتباط اقشار جامعه اسلامی را با یکدیگر بیشتر می‌کرد. در این دوره، مردم به صورت انفرادی و یا گروهی، در قبال ظلم و ستمی که نسبت به حقوق شخصی یا فرقه‌ای - مذهبی آنان از سوی سلاطین و کارگزاران حکومتی صورت می‌گرفت، از طریق مساجد ندای حق‌طلبی و دادخواهی سر می‌دادند. اقدامات مذکور اگرچه ممکن بود نتیجه عینی نداشته باشد، از حیث تنویر افکار عمومی و رساندن صدای مظلومیت آنان و نیز افشای مظالم کارگزاران حکومتی، نتایج شگرفی داشت؛ به گونه‌ای که می‌توان در بررسی علل ضعف و سقوط دولت آل بویه بدان توجه کرد. جالب اینجاست که بدانیم برخی از عدالت‌خواهان و معترضان، به‌رغم وقوف به عدم توفیق در اعتراضات سیاسی و نیز عدول نکردن حکومت از مواضع خویش، به چنین حرکتی دست می‌زدند.

به عنوان مثال، در شوال سال ۳۲۹ق، مردم بغداد در اعتراض به تصاحب خانه‌های آنان توسط دیلمیان و بی‌توجهی کورتکین دیلمی، امیرالامرای تازه‌منسوب بغداد، به دادخواهی‌شان، نماز جمعه بغداد را به هم ریختند. به نوشته ابن اثیر: «خطیب را از گزاردن نماز آدینه بازداشتند و با دیلمیان پیکار گزاردند و از هر دوسو گروهی در خون غلتیدند» (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۱۱/۴۹۲۴). پیش‌تر از آن و به سال ۳۲۱ نیز ندای اعتراضی مردم، خود را در مسجد به نمایش گذاشت. علی بن بلیق، از زیردستان سپهسالار شورش مونس خادم، فرمان داد تا معاویه و یزید را بر منابر بغداد نفرین فرستند. این مسئله موجب گردید تا به تحریک حنبلیان و پیشوای آن‌روزی آنان (بربهاری) مردم دست به شورش و اعتراض در مساجد بزنند که این امر موجب به هم ریختگی شهر گردید. البته، علی بن بلیق در صدد دستگیری بربهاری و یاران او برآمد؛ بربهاری از بغداد گریخت و تعدادی از یاران برجسته



او به عمان تبعید شدند (همان: ۱۱/ ۴۸۳۲-۴۸۳۳). سیاست اعتراضی توأم با نفرین در حادثه دیگری در این سال‌ها از مساجد بغداد برخاست و آن این بود که با خلع شدن ابو عبدالله بریدی از وزارت خلیفه المتقی بالله (۳۲۹-۳۳۳ق)، چنین شایع شد که او با پشتیبانی خاندان و حامیان خود در صدد غارت بغداد است؛ بنابراین، مردم و خطبای مساجد بغداد بر منابر، او و خاندانش را نفرین فرستادند [البته بعدها ابو عبدالله، سپاهی را به بغداد روانه و این شهر را غارت کرد] (همان: ۱۱/ ۴۹۲۹-۴۹۳۰).

اعتراض به سکوت خلفای عباسی و حاکمان مسلمان نسبت به تهاجم رومیان به سرزمین‌های اسلامی، از منابر مساجد و گاهی تحریک و تهییج مسلمانان، یکی دیگر از کارکردهای مهم مسجد در عرصه تبلیغی - سیاسی بود، چنان‌که با تهاجم رومیان به شهر نصیبین - شهری در سر راه موصل به شام - به سال ۳۶۱ق و قتل عام و به اسارت بردن زنان و کودکان آن، مسلمانان هم‌جوار این شهر (یعنی دیار ربیع و دیار بکر) به صورت اعتراضی وارد بغداد شدند و در مساجد جامع بغداد در اعتراض به سکوت سلاطین و خلفای مسلمان، مردم را به دفاع از بلاد اسلام تحریک و تهییج کردند. البته، اقدام تبلیغی آنان از طریق مساجد شهر مهمی چون بغداد، مؤثر واقع شد. جمع کثیری از بغدادیان به آنها پیوستند و همگی به در خانه خلیفه المطیع لله (۳۳۴-۳۶۳ق) رفتند و در صدد حمله به خانه او برآمدند و وی را ناتوان خواندند<sup>۱</sup> (مقدس، ۱۳۶۱: ۱۹۷/۲).

اسناد و شواهد تاریخی از دوره مورد اشاره، اعتراضات مذهبی - فرقه‌ای متعددی را در مساجد ثبت کرده‌است. یکی از معروف‌ترین این اعتراضات، اقدام اعتراضی شیعیان به سال ۴۲۰ق در مسجد معروف شیعیان یعنی براتا بود. در این سال، در خطبه‌ای که در این مسجد خوانده شد، سخنانی از زبان یکی از خطیبان شیعه ایراد گردید که در نهایت به برکناری و دستگیری وی - به دستور خلیفه عباسی القادری بالله (۳۸۱-۴۲۲ق) - منجر گردید. خلیفه مذکور خطیب دیگری را با نام ابومنصور تعیین کرد. او چون بر فراز منبر رفت - به رسم خطبای اهل تسنن - با پشت شمشیر به منبر زد و در خطبه خود نام حضرت علی (ع) را مقدم نداشت و سخن خود را با این جمله به پایان برد که «خداوندا مسلمانان و هرکسی را که علی را مولای خود می‌داند، نیامرزد». از این رو، عامه مردم که شیعیان بودند طوری به او اعتراض کردند که در جمعه بعد و برای جلوگیری از شورش مجدد در این مسجد، از اقامه نماز جماعت و ایراد خطبه خودداری شد؛ تا آنکه شریف مرتضی در نزد خلیفه عباسی واسطه گردید و برای مسجد مذکور خطیبی تعیین گردید. خلیفه القادر از اقدام

اعتراضی شدید شیعیان و هتک فرستاده‌اش سخت برآشفته و عصبانی گردیده‌بود و برای خطیب جدید دستورالعملی صادر گردید تا بر اساس آن سخن بگوید. از جمله مواد این دستورالعمل آن بود که از مذمت بر منبر که شیعیان بدشان می‌آمد، درگذرد<sup>۵</sup> (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵/۲۰۰-۲۰۱).

منازعه بین ترکان بغداد با برخی از هاشمیان در شوال سال ۴۲۱ق نیز موجب گردید تا هاشمیان با استفاده از منبر مساجد، به تحریک دیگران بپردازند. آنان پس از تجمع در مسجد المدینه، قرآن‌ها را به بالا بردند و مردم را بسیج کردند. این امر موجب گردید تا فقها و تعداد بسیاری از اهالی کرخ نیز در مسجد مذکور جمع شوند و به ترک‌ها دشنام دهند. از سوی دیگر، ترکان به آنان حمله‌ور شدند و وقتی که دیدند آنها قرآن‌ها را بالا گرفتند، اینان نیز در مقابله با آنان نیزه‌هایشان را که بر روی آنها صلیب بود، بالا بردند؛ آنگاه، دو گروه شروع به پرتاب سنگ و آجر کردند که در نتیجه آن، گروهی کشته شدند (همان: ۱۵/۲۰۸).

تاریخ تحولات سیاسی - مذهبی سال ۴۲۲ق، نمونه‌های چندی از کارکرد تبلیغی - اعتراضی مسجد - به‌ویژه در شهر بغداد - ثبت کرده‌است؛ به عنوان مثال، در روز جمعه بیست و دوم ماه ربیع‌الاول، بین سنیان و شیعیان شهر بغداد منازعات فرقه‌ای - مذهبی در گرفت. سبب این اختلاف به ماجرای فردی به نام خزلجی برمی‌گشت که ظاهراً سیاست ضد شیعی داشت. مسئله خواندن نماز و قرائت منشور خلافت در مسجد جامع‌المدینه در آن روز، موجب ایجاد تنش بین شیعیان و سنیان گردید. فتنه و آشوب برخاست و نماز نیز خوانده‌نشد. البته، در واکنش به این حادثه، حامیان شیخ مذکور چند روز بعد شب‌هنگام به مسجد جامع برآنا حمله و آنجا را چپاول کردند. این مسئله در نهایت بر شدت منازعات بین آنان افزود تا آنکه اعتراضات و شکایات نسبت به خلیفه القادر بالله زیاد شد و او را به ضعف تدبیر متهم ساختند. معترضان حتی تهدید کردند که در جمعه آینده خطبه او را قطع خواهند کرد. در هر صورت، در نماز جمعه بعدی که خطبه‌خوانی نیز مطابق معمول در مسجد الرصافه بغداد برگزار گردید، نماز جمعه به تشنج کشیده‌شد. یکی از معترضان حتی دست خلیفه را زد و مردم از ترس فتنه و آشوب، نماز را رها کردند و برگشتند (همان: ۱۵/۲۱۴-۲۱۵). چندی بعد و به سال ۴۲۵ق نیز اعتراض و شورش مسلمانان در مسجد محل برگزاری نماز جمعه بغداد صورت گرفت. معترضان بر خطیب شوریدند و گفتند تا به نام برجمی خطبه خوانده‌شود، در غیر این صورت، به نام سلطان و شخص خلیفه خطبه خوانده نشود (ابن اثیر، بی تا: ۱۶/۱۴۹).

پیش‌تر از آن و در سال ۱۵۴۱ق، در وقایع دیگری کارکرد تبلیغی سیاسی مسجد در تلاطم اجتماعی بروز کرده است. در شهر کوفه، میان علویان و عباسیان آشوب پدید آمد و در نتیجه آن شش تن از عباسیان به قتل رسیدند. ظاهراً، قدرت آل‌بویه شیعی مذهب و حاکمیت آنان در این امر بی‌تأثیر نبود. پیرو این حادثه، عباسیان کوفه به بغداد آمدند و با جلوگیری از برگزاری خطبه روز جمعه در یکی از مساجد بغداد، سر به شورش برداشتند. این غائله سرانجام با وساطت خلیفه القادر بالله و میانجیگری دیگران ختم گردید (همو، ۱۳۸۳: ۱۳ / ۵۵۸۴).

زمینه اعتراضی گاه از مباحث مذهبی و سیاست فراتر می‌رفت و به مسائل اقتصادی کشیده می‌شد و در این حالت نیز از مساجد جهت رساندن صداهای اعتراض‌آمیز، استفاده می‌شد. از جمله این اعتراضات اقتصادی - مالی، می‌توان به حادثه سال ۳۷۵ق اشاره کرد. در این سال، مردم بغداد در اعتراض به اقدام صمصام‌الدوله دیلمی در برقراری مجدد مالیات فروش جامه‌های ابریشمی و پنبه‌ای، در مسجد منصور بغداد گردآمدند و در صدد برآمدند «تا نماز جماعت را کنار نهند». حکومت از ترس آشوب، مصوبه خود را ملغای اعلام کرد و مسئله حل شد (همان: ۱۲ / ۵۲۸۶). همچنین، پس از آنکه ابوالفضل، وزیر عزالدوله دیلمی، به دلیل خالی‌بودن خزانه، به مصادره اموال مردم پرداخت، معترضان مسجد را کانون اعتراض و نفرین قرار دادند. جالب اینجاست که کنیسه‌ها و کلیساها نیز به سان مسجد به کانون اعتراضات مردمی علیه حکومت تبدیل گردید که البته خود از اهمیت بناهای مذهبی در دیگر آیین‌ها خبر می‌داد (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۶ / ۳۰۳-۳۰۹).

### ۲.۳ کارکرد اطلاع‌رسانی

موقعیت ممتاز مساجد در بافت شهری جهان اسلام و در دوره مورد اشاره موجب می‌گردید تا این مکان به عنوان بهترین رسانه و ابزار، برای اطلاع‌رسانی عمومی و نیز حکومتی استفاده شود. مساجد غالباً در وسط شهر و در هم‌جواری کانون‌های مهم جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی قرار داشت و این مسئله موجب می‌شد اخبار و اطلاعات در عصری که رسانه‌های گروهی - تبلیغی امروزی وجود نداشت، به سرعت انتشار یابد (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۵۳، ۱۶۵، ۱۹۳، ۱۹۴؛ ابن‌حوقل بغدادی، ۱۳۴۵: ۱۵۲). از همه مهم‌تر، اعتبار و استناد اخبار نیز در جامعه آن روزی بسیار مهم بود و این امر از طریق تقدس مکانی مسجد و نیز اعتبار لسانی مؤمنان و علمای مذهبی تأمین می‌گردید. لذا، به جرئت می‌توان گفت که مسجد در

تاریخ ایران و اسلام به عنوان ابزار اطلاع‌رسانی و تبلیغی بسیار مهمی به‌شمار می‌رفت. استفاده از جایگاه مسجد و منابر آن توسط حکومت‌ها از یکسو و نیز مردمان عادی و فرق مذهبی از دیگرسو، در انعکاس اخبار و اطلاعات و خواسته‌هایشان امری رایج بود.

در دوره آل بویه این سنت دینی جاری بود. نمونه‌های بسیاری در این خصوص ثبت و ضبط شده است. هرگاه لازم بود مردم از امری آگاهی یابند یا والی تازه‌ای وارد می‌شد و می‌خواست برنامه کاری خود را به اطلاع مردم برساند، منادیان در شهر جار می‌زدند و مردم را به حضور در مساجد - به‌ویژه در مساجد جامع - دعوت می‌کردند. هنگامی که بیشتر اهالی شهر در مسجد گرد می‌آمدند، والی به منبر می‌رفت و آنچه در نظر داشت بگوید، می‌گفت و این رسم و سنتی متداول بود. گاهی برای آگاه کردن مردم، منادیان در مناره‌ها ندا درمی‌دادند (فقیهی، ۱۳۶۶: ۶۳۱-۶۳۲). در ذیل به نمونه‌هایی از این کارکرد در زمینه‌های گوناگون اشاره می‌شود:

به سال ۳۵۷ق، پسر خلیفه المستکفی بالله عباسی (۳۳۳-۳۳۴ق)، ادعای مهدویت کرد و مورد توجه عامه قرار گرفت. نمایندگان او غالباً از طریق مساجد - به‌ویژه مساجد بغداد - برای او تبلیغ می‌کردند و از مردم بیعت می‌گرفتند. در راستای تبلیغ بیشتر و مؤثرتر برای فرد مدعی قائمیت، اوراقی در مساجد پخش می‌شد و در آن مردم را به سوی خود دعوت می‌کرد. بدین ترتیب، فرد یادشده توانست با منبر پرنفوذ مسجد، گروه کثیری از اعیان، کاتبان، دیلمیان، ترکان و عرب‌ها را به بیعت خود درآورد. این غایله در نهایت با اقدامات عزالدوله دیلمی فروخوابانده شد (همان: ۱۸۵-۱۸۷).

اندکی بعد و در محرم سال ۳۶۱ق، با تهاجم و تاراج رومیان شهرهایی چون رها، نصیبین و دیاربکر و به اسارت درآوردن مسلمانان و به‌ویرانی کشیدن سرزمینشان، گروهی از مردم این شهرها به بغداد رفتند و در مساجد این شهر مسلمانان را برانگیختند و از تاراج، کشتار و اسارت زنان به دست رومیان سخن گفتند. آنان مردم بغداد را از خطرهای پیش رو در این خصوص بیم دادند. ظاهراً، سخنشان چنان بر مردم بغداد اثر نهاد که با آنان هم‌داستان شدند و به سوی کاخ خلیفه الطایع‌الله یورش بردند. واکنش‌ها بیشتر از آن گردید و شماری از سران بغداد عزالدوله بختیار دیلمی را مورد مؤاخذه قراردادند. علاوه بر این، با تبلیغ و اطلاع‌رسانی از طریق مساجد شهر بغداد، مردم بسیاری در جریان ماجرا قرار گرفتند و برای امر جهاد جمع شدند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۲/۵۱۵۷-۵۱۵۸).

مساجد یکی از مراکز اصلی اعلان رسمی مناصب حکومتی و نیز اعلان ولیعهدی در

این دوره بود؛ به عنوان مثال، به سال ۴۲۱ق و پس از شایعات بسیار در بین مردم، خلیفه عباسی، القادربالله، پسرش ابی جعفر عبدالله (همان القایم بامرالله بعدی) را به ولایتعهدی تعیین کرد. اعلان همگانی این رخداد مهم در مسجد و منابر آن صورت گرفت. به دستور خلیفه بر منابر مساجد بغداد و در راستای اعلان عمومی، خطبا این مطالب را قرائت کردند که: «پروردگارا او را ذخیره دین قرار بده؛ برای ولایتعهدی در میان مسلمین» (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۰۶/۱۵). همچنین، پس از آنکه ابن ماکولا به قاضی القضاة برگزیده شد، فرمان و حکم او نه تنها در دارالخلافه و در محضر اشراف و قاضیان و شاهدان، بلکه به دستور خلیفه و برای اعلان عمومی و آگاهی مردم، بر منابر مساجد بغداد - به ویژه مساجد مشهور جامع رصافه و جامع المدینه - خواندند (همان، ۱۴۱۲: ۲۰۱/۱۵).

کارکرد تبلیغی - رسانه‌ای مسجد گاه ابعاد مذهبی - سیاسی نیز می‌پذیرفت. این امر در بعضی از مواقع، خود را با شعارنویسی بر در و دیوار مساجد نشان می‌داد، چنان‌که در ربیع‌الآخر ۳۵۱ق، شیعیان بغداد به فرمان سلطان احمد معزالدوله (۳۳۴-۳۵۶ق) بر دیوار مساجد شهر بغداد شعارهایی نوشتند که واکنش شدید سنیان را در پی آورد و به هنگام شب، برخی از آنان نوشته‌ها را پاک کردند. معزالدوله در صدد دوباره نگاشتن آن برآمد؛ لیکن ابومحمد مهلبی وزیر به او سفارش کرد تا به جای نگاشته‌های زدوده‌شده، چنین بنویسند: «نفرین خداوندی بر آنانکه به خاندان پیامبر خدا ستم ورزیدند» و در این نفرین جز از معاویه از کسی نام برده نشود. معزالدوله نیز چنین کرد و بدین ترتیب این غائله خوابانده شد (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۱۲/۵۰۸۵).

در ماجرای دیگر می‌توان به سیاست عباسیان از طریق تبلیغ در مساجد، علیه فاطمیان و موضوع نسبشان اشاره کرد. در سال ۴۴۴ق در شهر بغداد، صورت مجلسی تنظیم و در آن نوشته شد که فاطمیان در ادعای نسب خود به حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) دروغگو هستند و آنها را به مجوسان و یهودان منسوب کردند. به نوشته ابن اثیر:

پس از آن، تأییدیه علویان و عباسیان و فقها و قضات و شهود بر صورت مجلس مذکور گرفته شد و چندین نسخه از آن به شهرها فرستاده شد که بر منبر مساجد خوانده شود؛ تا مردم از کذب ادعای فاطمیان باخبر گردند (همو، بی تا: ۱۶/۲۹۴).

#### ۴. کارکرد قضایی

کارکرد قضایی یکی دیگر از کارکردهای اجتماعی - اداری مسجد در دوره آل بویه بود.

پیشینه قضایی مسجد از دوره رسول اکرم (ص) و نیز ویژگی ممتاز این مکان الهی در اطلاع‌رسانی، موجب‌گردید تا به‌رغم تأسیس نهادهای قضایی و ادارات ذی‌ربط، همچنان شاهد تداوم این کارکرد باشیم. علاوه بر این، دسترسی آسان مردم به قاضی و ارائه شکایات، از دیگر کارکردهای این نهاد بود. در این خصوص مقدسی به‌تصریح آورده‌است:

از رسم‌های نیکو ... به‌داوری‌نشستن سپهسالار با وزیر او است که با کمک قاضی و رئیس و چندتن از دانشمندان و بزرگان، روزهای یکشنبه و چهارشنبه دادخواهی ستم‌دیدگان را می‌پذیرند و روزهای دوشنبه و پنجشنبه در مسجد حکم صادر می‌کنند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۴۸۰).

ظاهراً، گاهی سلاطین بویهی شخصاً به قضاوت و دادگستری و رسیدگی به شکایات مردم اقدام می‌کردند، چنان‌که در گزارش ابن‌اثیر آمده است که رکن‌الدوله در ماه‌های روزه برای برپایی نماز آهنگ مسجد می‌کرد و خود ستم‌های رفته را بازمی‌گرداند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۲/ ۵۲۰۶). همچنین، تنوخی می‌آورد که محتسب اهواز جلوی در خانه قاضی که دیر از خانه بیرون آمده بود، ایستاد و گفت «به قاضی بگویند، تو نمی‌توانی اینقدر در خانه بنشین، به مسجد جامع برو تا به همان‌گونه که در فرمانت نوشته شده، دست قوی و ضعیف هر دو به تو برسد» (تنوخی، ۱۹۷۱: ۲/ ۱۱۰). حکایت جالب ابوحنیان توحیدی نیز بر این مسئله اشاره دارد (ابوحنیان توحیدی، ۱۴۱۹: ۴/ ۱۴۷).

از مسجد به عنوان مکان حبس برخی بزرگان، یاد شده است. از جمله در حوادث سیاسی رمضان ۴۲۴ق، سپاهیان بر جلال‌الدوله دیلمی شوریدند. علت شورش آن بود که آنان تصور می‌کردند که سلطان بویهی می‌خواهد درباره‌ی دارایی ایشان حسابرسی کند. معترضان به سرای سلطان یورش بردند، او را به مسجد کشاندند و در آنجا بازداشت کردند. آنان همچنین برای وی پاسبان گذاشتند تا آنکه سرانجام گروهی از سپاهیان، جلال‌الدوله را از مسجد آزاد کردند و به سرایش بازگرداندند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۱۳/ ۵۶۷۶).

## ۵. محل اسکان و سرپناه

مسجد نخستین مکانی بود که طلاب و مستمندان مسلمان به آن پناه می‌بردند. به نوشته مقریزی، رسول‌الله (ص) برای یاران نیازمند که پناهگاه و خویشان و دارایی نداشتند، جایی را در مسجد خود در نظر گرفت که در آن اقامت می‌گزیدند و به «اصحاب صفة» شهرت

یافتند. البته بعدها حاکم اموی، یعنی عمر بن عبدالعزیز نخستین کسی بود که جایگاهی را در مساجد برای اطعام مساکین و بیچارگان و واماندگان در نظر گرفت (مقریزی، ۱۹۱۱: ۴/۲۹۳؛ غنیمه، ۱۳۷۲: ۳۴۰). این کارکرد مهم مسجد اگرچه با تأسیس مدارس جدید و در پی آن خوابگاه‌ها و خانه‌های رایگان برای طلاب، تا حدودی کاهش یافت، گزارش سیاحان حتی در قرون پنجم و ششم، حکایت از تداوم این کارکرد در جامعه آن روز جهان اسلام - به‌خصوص در تاریخ ایران - دارد (← ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۳۲۸).

لذا، یکی از کارکردهای قابل توجه مسجد در زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی، اسکان فقرا و بی‌پناهان و محل بیتوته مسافران و رهگذران بود (کیانی، ۱۳۸۵: ۳۹-۴۰). نمونه‌های چندی از دوره آل‌بویه و در متون جغرافیایی - تاریخی این دوره ثبت شده‌است که البته خود انعکاسی از تداوم این کارکرد سنتی مسجد از صدر اسلام دارد.

مقدسی، در قرن چهارم، گوید که به مسجد جامع شهر شوش رفت و در آنجا مدتی را با صوفیان این شهر که در مسجد مذکور ساکن بودند، به‌سربرد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۶۲۰). شیخ صدوق در سفر حج، سال ۳۵۴ق، در مسیر وارد کوفه شد و در مسجد جامع این شهر از جماعتی از علما که در آن مسجد سکونت داشتند، استماع حدیث کرد (موسوی خراسان، ۱۳۷۷: ۳۶). روایات زیادی در دست است که تأکید دارد سلطان عضدالدوله دیلمی در آبادانی بغداد مسجد را آباد کرد و برای ائمه جماعات، مؤذنین، علما و قاریان قرآن و بی‌کسان و ناتوانان و مستمندانی که در مسجد سرای گزیده بودند، روزمیه نامزد کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۱۲/۵۲۴۰). در دوره خلافت القادر بالله عباسی (م. ۴۲۲ق) تعداد بسیاری از مردم بغداد و رهگذران در مساجد این شهر زندگی می‌کردند. حتی برای مدت‌های مدید، سخن می‌گویند. این مسئله نمایانگر اهتمام نسبی حکومت‌ها و خلفا نسبت به این امر است. روایت است که خلیفه القادر بالله «همه شب افطار خود را سه پاره می‌کرد: پاره‌ای را در پیش روی خود می‌نهاد و پاره‌ای را به مسجد رصافه می‌فرستاد و پاره‌ای را به مسجد مدینه، و این افطار میان نشستگان این دو مسجد پخش می‌شد» (همان: ۱۳/۵۶۶۰).

روایت ابن جوزی از شورش‌ها و ناامنی‌های سال ۴۲۰ق در بغداد، نیز انعکاسی از این کارکرد مسجد به دست می‌دهد (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵/۲۰۰-۲۰۱).

افزون‌بر این، مسجد به عنوان یکی از مهم‌ترین پناهگاه‌ها به هنگام جنگ‌ها، حوادث سیاسی، بلایای طبیعی و ... مورد استفاده مردم قرار می‌گرفت.<sup>۶</sup> جدا از موقعیت ممتاز مساجد و در رأس آن مساجد جامع در بافت شهری، استحکام بنای مساجد و مصالح آن<sup>۷</sup> در

استفاده از این مکان به عنوان پناهگاه و به هنگام حوادث، بی تأثیر نبود. در کنار همه این عوامل مادی، البته نایستی بعد معنوی این بنای الهی نیز نادیده گرفته شود؛ حرمت این مکان و به ویژه به هنگام جنگ‌ها و ناآرامی‌های سیاسی، موجب می‌گردید تا مردم از آنجا به عنوان بهترین و امن‌ترین اماکن استفاده کنند. احتمالاً، تجمع سنتی مردم در این مکان و از همه مهم‌تر ایجاد یک سرنوشت مشترک نیز در این زمینه بی‌تأثیر نبود. نکته جالب اینجاست که حتی در بعضی شهرهای جهان اسلام، ساخت مساجد با چنین رویکردی صورت می‌پذیرفت؛ مثلاً، علاوه بر نگاه عبادی به آن، کارکرد دفاعی نیز مدنظرشان بوده و با ساخت حصار و حفر خندق، به استفاده از آن هنگام خطرهای سیاسی - نظامی توجه می‌کردند.<sup>۸</sup> گزارش این حوقل از شهر دوین در این دوره مؤید این امر است:

... در وسط شهر، مسجد جامعی ساخته و آن را با حصاری دیگر محصور کرده‌اند و در اطراف آن خندقی و در وسط آن چشمه‌ای است و آنگاه که سپاه گرج به ناگهان حمله کند، بدانجا پناهنده می‌شوند و این شهر به ارس (رود ارس) دو فرسخ فاصله دارد (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۸۶).

در منابع نمونه‌های متعددی از این کارکرد مسجد در دوره آل بویه ثبت شده است. در پنجم شعبان ۳۷۸ق، در شهر فم الصلح (از نواحی شهر واسط) طوفان شدیدی وزیدن گرفت و این امر موجب شد تا مردم پناهگاهی بهتر از مسجد جامع این شهر نیابند. البته، طوفان چنان شدید بود که بخشی از مسجد فروریخت و این امر به کشته و زخمی شدن شماری از مردم منجر گردید (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۳/۱۹۵۳). پیش‌تر از این تاریخ (۳۵۱ق) و در ماجرای تهاجم رومی‌ها به شهر سروج، مردم در مسجد تجمع کردند و البته رومیان به مسجد حمله بردند و آنجا را سوزاندند و عده‌ای را به اسارت گرفتند (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۱۲/۵۰۴۲). مردم عین زربه نیز در حمله ۳۵۲ق رومیان، به مسجد جامع پناه بردند و تمام شب را در آنجا سپری کردند (همو، ۱۳۸۳: ۱۲/۵۰۸۱).

در حوادث سیاسی قرن پنجم و تهاجم گسترده غزان، نیز کارکرد اجتماعی مسجد در ایجاد پناهگاه برای مردم، گزارش شده است. در سال ۴۲۰ق، غزان وارد شهر ری شدند و غارت و تاراجگری پر دامنه‌ای کردند و زنان را به اسارت گرفتند. در این میان، عده‌ای از زنان ری از ترس به مسجد پناهنده شدند (همو، بی‌تا: ۹۷/۱۶). در تهاجم آنان به مراغه (۴۳۵ق) نیز چنین اتفاقی رخ داد؛ مردم شهر از ترس به مسجد جامع پناهنده شدند و البته کشتار بزرگی از آنان در این مسجد صورت پذیرفت (همان: ۹۶/۱۶). لذا، بی‌غلت نیست که



خلیفه عباسی، القائم بامرالله (۴۲۲-۴۶۷ق)، با وقوف به این امر و کشتار وسیع مسلمانان در مساجد، از سلطان طغرل بیگ تقاضا کرد که از قتل عام مردم به ویژه در مساجد و نیز تخریب و بستن درهای مساجد خودداری کند (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۱۳/۵۶۲۹-۵۶۳۰). نکته جالب توجه اینجاست که در ماجرای تهاجم ترکان سلجوقی به شهر اصفهان و محاصره درازمدت آن، مردم اصفهان برای دفاع از خود، بنای مساجد این شهر را درهم کوفتند و از چوب‌های آن استفاده کردند (ابن خلدون، ۱۳۶۸: ۳/۸۲۰).

## ۶. محل دفن بزرگان

تقدس اماکنی چون بارگاه امامان و امامزادگان و نیز مساجد موجب گردید تا بزرگان دینی، سیاسی و علمی - حتی پیش از مرگ خود - وصیت کنند تا آنان را در آن جایگاه مقدس به خاک سپارند. این امر در راستای تبرک و شفاعت جستن از امامان و امامزادگان و نیز تقرب جستن به خانه خدا و در نتیجه کاستن از فشار قبر و عذاب اخروی صورت می‌پذیرفت. تاریخ دوره آل بویه نمونه‌های چندی از آن را ثبت کرده‌است که خود از تداوم این اندیشه در بین مردم آن عصر حکایت دارد.

شریف رضی<sup>۱۰</sup> روز یکشنبه ششم ماه محرم سال ۴۰۶ درگذشت و در مسجد انباریین بغداد دفن شد و بر جنازه او وزیر فخرالملک با مردم نماز گزارد (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵/۱۱۹). مسجد المنصور بغداد نیز محل دفن تعداد بسیاری از شخصیت‌های علمی و سیاسی عصر آل بویه بود. ابو عبدالله بزاز (د. ۴۰۷ق) و هبة الله بن سلامه (د. ۴۱۰ق)، از مفسران بزرگ قرآن، در مسجد المنصور دفن گردیدند (همان: ۱۳۸/۱۵ و ۱۲۲). همچنین، ابوبکر دینوری فقیه (د. ۴۰۵ق) و عثمان بن عیسی ابوعمر باقلاوی (د. ۴۰۲ق) در مسجد یادشده به خاک سپرده شدند (همان: ۸۷/۱۵، ۱۰۸). عبیدالله بن احمد (ابو احمد کاتب) که در محرم سال ۴۰۱ق درگذشت، در پشت مسجد منصور دفن گردید (همان: ۸۱/۱۵). در همین سال، شخصی به نام ابراهیم بن محمد بن عبیه درگذشت و طبق وصیت او، در مقبره جامع المنصور دفن گردید (همان: ۷۸/۱۵).

در خصوص دفن سلطان فخرالدوله دیلمی نیز اگرچه منابع تاریخی غالباً سخنی ابراز نداشته‌اند، از این عبارت ابن اثیر که برای سلطان فخرالدوله دیلمی کفن جستنند و نیافتند و از سرپرست مسجد کفنی خریدند، چنین می‌توان استنباط کرد که وی را در مسجد دژ طبرق ری و به سال ۳۸۷ق به خاک سپردند (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۱۲/۵۳۷۰).

نماز خواندن بر میت در مساجد نیز در دوره مورد اشاره، امر متداولی بود، چنان‌که ابن جوزی در ماجرای مرگ ابوالعباس الضبی، وزیر مجدالدوله دیلمی، در صفر ۳۹۸ خاطر نشان می‌سازد که تابوتی از بغداد برای او آوردند و گروهی از بزرگان و فقیهان در مسجد برآتا بر او نماز خواندند (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵/۶۲).

## ۷. محل برگزاری برخی مراسم عمومی

از کارکردهای دیگر مسجد در زمینه اجتماعی، که به موقعیت ممتاز جغرافیایی - شهری آن مربوط بود، آن که محل گردهمایی یا تجمع مردم یک شهر به‌شمار می‌رفت. به عنوان نمونه، می‌توان به تجمع شیعیان و سنیان شهر بغداد به سال ۴۴۲ق و در یکی از مساجد جامع این شهر اشاره کرد. گاهی بین اهل تشیع و تسنن بغداد توافق و آشتی برقرار می‌گردید و هر دو فرقه با هم به زیارتگاهها برای زیارت پیشوایانشان می‌رفتند. در این سال نیز چنین تصمیمی گرفتند و اهل تسنن بغداد تصمیم گرفتند با شیعیان به زیارت مرقد امام حسین (ع) و حضرت علی (ع) بروند. لذا برای هماهنگی، پیروان هر دو فرقه با همدیگر به طرف مسجد جامع رفتند و در آنجا تجمع کردند و سپس به زیارت مرقد امامان رفتند (همان: ۸/ ۱۴۵-۱۴۶).

مسجد همچنین به عنوان محل نمایش عمومی مورد استفاده قرار می‌گرفت، چنان‌که تنوخی حکایت دارد، مردی بود از اهل قصر (عراق) که مردم را موعظه می‌کرد و دست خود را در روغن جوشان فرومی‌برد و زبانی نمی‌دید. یک‌بار در صحن مسجد جامع، اجاق و دیگدانی نصب کردند و روغن در آن جوش آوردند. عمر به سرعت دستش را در دیگ فرو برد و در حالی که با صدای بلند لاله‌الله می‌گفت، سنگ‌های ته‌دیگ را بیرون آورد و با روغن آب‌شده جوشان، سینه و دو ذراع خود را شست (تنوخی، ۱۹۷۱: ۲/۱۲۶).

## ۸. نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی در کارکردهای اجتماعی مسجد در تاریخ ایران عصر آل بویه، بیانگر این مطلب است که در قیاس با دوره‌های پیشین، این رویکردها غالباً مثبت بوده و به انسجام اجتماعی کمک کرده‌است. در این زمینه، نیازهای اجتماعی آن روز در کنار نگرش مثبت اجتماعی نسبت به این بنای الهی، موجب گردید تا مردم مسجد را به عنوان مهم‌ترین کانون

اجتماعی مورد توجه قرار دهند. از سوی دیگر، این نوع نگرش آنان می‌تواند نوعی واکنش نسبت به واگرایی‌های منتج از کارکردهای سیاسی مسجد و دلزدگی عمومی از اختلافات و هرج و مرج‌های سیاسی مذهبی منتج از کانون مسجد تلقی شود. همچنین، در میان انواع کارکردهای اجتماعی مسجد، بایستی سهم و نقش ویژه‌ای به جایگاه آن در نظام تعلیم و تربیت و ترقیات علمی - فرهنگی این دوره داده‌شود که خود به شکل‌گیری عصر طلایی تمدن و فرهنگ ایرانی منجر شد. همچنین، مسجد با توجه به ظرفیت ممتاز سیاسی - اجتماعی، به لحاظ تبلیغی - رسانه‌ای کانون مؤثر اعتراض به سیاست‌های حاکم از یکسو و انعکاس اخبار و سیاست‌های حکومتی از دیگر سو به‌شمار می‌رفت. این بنای الهی در زندگی اجتماعی مردم مسلمان این دوره و در پرتو تفکرات الهی - اسلامی، محل اسکان فقرا و بی‌سرنه‌هان نیز بود و به هنگام نامالایمات و حوادث سیاسی و طبیعی به عنوان پناهگاه عمل می‌کرد. کارکرد قضایی مسجد و استفاده از آن به عنوان محبس یا بازداشتگاه، از دیگر کارکردهایی بود که بر جایگاه و اهمیت آن در جامعه این عصر تأکید می‌کرد.

### پی‌نوشت

۱. به همین دلیل سلاطین این حکومت و در رأس آنان عضدالدوله اهتمام ویژه‌ای به ساخت و مرمت مساجد داشتند (رجبی، ۱۳۸۶: ۲۲۶).
۲. به عنوان مثال، در خصوص شهر نیشابور سده‌های میانه آمده‌است که بالغ بر بیست و پنج مسجد در این شهر فعالیت علمی - آموزشی داشتند که خود حکایت از نقش بی‌بدیل این بنای الهی در امر تعلیم و تربیت دارد (مؤید ثابتی، ۱۳۵۵: ۲۲۷-۲۵۴).
۳. البته بایستی به آسیب‌های آن از جمله جنگ و نزاع‌های خونین در سطح جامعه مسلمان نیز اشاره کرد.
۴. آمدن معترضان به بغداد و اعتراض نسبت به خلیفه عباسی، از این نکته مهم برمی‌خاست که یکی از وظایف اصلی خلیفه مسلمین و حکام تابع او، حفظ مسلمانان از تهاجمات خارجی، حفظ مرزهای اسلامی و نیز اعلام جهاد برای مبارزه با کفار بود (در این خصوص ← ماوردی، حکام‌السلطانیه).
۵. البته به نوشته روی متحده در کتاب *اوضاع اجتماعی در دوره آل بویه*، شاید خود بویه‌یان نیز به چنین منازعات و مناقشاتی به دلایل مختلف سیاسی دامن می‌زدند (۱۳۸۸: ۱۶۵).
۶. این کارکرد مسجد البته از همان آغاز صدر اسلام خود را به نمایش گذاشت. تعداد زیادی از فقرا، زخمیان و زندانیان صدر اسلام در مسجد مدینه اسکان داده شدند و این امر خود به سستی برای تاریخ اسلام و ایران تبدیل گردید (Encyclopedia of Islam, 1991).

۷. غالباً مستحکم‌ترین بنای شهری، مساجد بودند که خود انعکاسی از تأثیر معنوی بنا و انگیزه معنوی - الهی معماران و بنایان آن بود.
۸. شاید به همین علت بود که یکی از کانون‌های اصلی تهاجم به شهرها، مساجد بودند.
۹. شهری در اران آذربایجان نزدیک تفلیس (یاقوت حموی، ۱۳۸۳).
۱۰. گردآورنده نهج البلاغه و برادر شریف رضی و پسر شریف احمد موسوی.

## منابع

- آبی، حسین بن محمد (۱۳۲۸). ترجمه محاسن اصفهان، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: ضمیمه مجله یادگار.
- ابن اثیر (بی تا). کامل؛ تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه علی هاشمی حایری، ج ۱۶، تهران: علمی.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۸۲-۱۳۸۳). کامل، ترجمه حمیدرضا آذیر، ج ۱۱، ۱۲ و ۱۳، تهران: اساطیر.
- ابن جبیر، محمد بن احمد (۱۳۷۰). سفرنامه، ترجمه احمد اتابکی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابن جوزی، عبدالرحمان (۱۴۱۲ق / ۱۹۹۲م). المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، ج ۸، ۹، ۱۴ و ۱۵، به کوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت.
- ابن حوقل بغدادی، محمد (۱۳۴۵). صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خلدون (۱۳۵۹). مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۳۸). العبر (تاریخ ابن خلدون)، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۳، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابو حیان توحیدی، علی بن محمد (۱۹۹۹ م / ۱۴۱۹ ق). البصائر و النخائر، ج ۴، بیروت: دار صادر.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۷۳). المسالك و الممالک، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- ایمانی فر، محمد (۱۳۸۹). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوره آل بویه، تهران: ققنوس.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۴۶). فتوح البلدان، ترجمه آذرنوش، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بهمینار، احمد (۱۳۸۳). صاحب بن عباد، تهران: دانشگاه تهران.
- تنبی، قاضی احمد و آصف خان قزوینی (۱۳۸۲). تاریخ الفی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، ج ۳، تهران: علمی و فرهنگی.
- تنوخی، ابوعلی محسن بن علی (۱۹۷۱ م / ۱۳۹۱). تشوار المحاضره و اخبار المذکره، ج ۲، بیروت.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۶). سده‌های گمشده، ج ۳، تهران: پژوهشگاه کیوان.
- غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۷۲). تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، تهران: دانشگاه تهران.
- فدایی عراقی، غلامرضا (۱۳۸۳). حیات علمی در عهد آل بویه، تهران: دانشگاه تهران.

- فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد (۱۳۸۱). ترجمه حمید احمدی، تهران: میزان.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۶). آل بویه، تهران: صبا.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸). *التقص*، به تصحیح میرجلال‌الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۵). *تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی*، تهران: سمت.
- ماوردی، علی بن محمد (۱۳۸۳). *احکام السلطانیه (آیین حکمرانی)*، ترجمه حسین صابری، تهران: علمی و فرهنگی.
- متحده، روی (۱۳۸۸). *اوضاع اجتماعی در دوره آل بویه*، ترجمه محمدرضا مصباحی و علی یحیایی، مشهد: خانه آبی.
- متز، آدام (۱۳۸۸). *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
- مسکویه رازی (۱۳۷۶). *تجارب الامم*، ترجمه علینقی منزوی، ج ۵ و ۶، تهران: توس.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، جلد ۲، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مقریزی، تقی‌الدین احمد (۱۹۱۱ م). *الخطط*، ج ۴، قاهره: بی‌نا.
- موسوی خراسان، حسن (۱۳۷۷). *فقیه ری*، ترجمه و تعلیق علیرضا میرزا محمد، تهران: اطلاعات.
- مؤید ثابتی، علی (۱۳۵۵). *تاریخ نیشابور*، بی‌جا: بی‌نا.
- مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۵۷). *اصفهان یا دارالعلم شرق*، تهران: مجله یغما.
- یاقوت حموی، ابو عبدالله (۱۳۸۳). *معجم البلدان*، ترجمه علینقی منزوی، ج ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

*Encyclopedia of Islam* (1991). "Mosque", Vol. VI.